**٨٠ - احکام خیر و شر نجومی و رمل و فال نیک و بد و شور چشمی**

و نیز از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : استنباطهای منجّمین یعنی استنباطهائی که تعلق بوقایع خیر و شر دارد ابداًحکمی ندارد کذب المنجّمون بربّ الکعبة ولی استنباطهای فنی که تعلّق به حرکات نجوم دارد مثل خسوف و کسوف و امثالهما این پایه و مایه دارد اما استنباط از نجوم از ظهور مظاهر مقدّسه خارق العاده است دخلی به فنّ نجوم حالی ندارد .

 و قوله المبین : اما مسألۀ ثالث یعنی فال و رمل آنچه در دست ناس است امری است موهوم صرف ابداً حقیقتی ندارد و اما مسألۀ چهارم که تفأوّل و تشأوّم و اعتاب و اقدام و اقتران و نواصی باشد یعنی تملک حیوانات ذی روح ، فال خوب سبب روح و ریحان است اما تشاؤّم یعنی فال بد مذموم و سبب انفعال .

و قوله :

**هو الله**

ای بندۀ الهی در خصوص چشم پاک و ناپاک یعنی اصابت عین مرقوم نموده بودید این محض توهّم است ولی احساسات ازین وهم در نفوس حاصل گردد و آن احساسات سبب حصول تأثیرات شود مثلاً نفسی به شور چشمی شهرت یابد که این شخص بد چشم است و نفسی دیگر معتقد و متیقّن تأثیرات ، چون آن شخص به بد چشمی مشهور نظری به این بیچاره نماید این متوهّم و مضطرب گردد و پریشان خاطر شود و منتظر ورود بلائی گردد این تائثیرات سبب شود و وقوعاتی حاصل شود والّا نه این است که از چشم آن شخص آفتی صادر شد و بوجود این شخص رسید لهذا اگر نفسی بقلبش چنین خطور نمود که فلان شخص شور چشم است و مرا نظر نمود فوراً بذکر اللّه مشغول شود تا این وهم از قلب زائل گردد و علیک البهاء الابهی